



اطلاعیه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست عروج احمدی نژاد پله آخر افول جمهوری اسلامی

ملغمه ای از پوپولیسم اسلامی و تحمیل آن ایستاده است. ما همه مستضعف پناهی فوق ارتجاعی را با هدف شقه کردن صف کارگران و از کارگران، زنان و جوانان را به کشاندن توده فقرزده به دنبال خود پیش گذاشته است. این پروژه همچون پروژه "مدل چینی" جمهوری اسلامی فرا میخوانیم. رفسنجانی و پروژه "مدل روسی" "منشور سرنگونی جمهوری اسلامی" که توسط حزب حکمتیست برای خروج رژیم از بحران همه جانبه اقتصادی و سیاسی و فرهنگی اش راه به جایی نمیرد. در برابر این سیاست فاشیستی باید با قاطعیت و هشیاری ایستاد و آن را در قدم اول به شکست کشانید. در عین حال در برابر بخشهایی از بقایای دو خرداد که فاشیسم اسلامی را فقط به احمدی نژاد و جناحش محدود میکنند و این را بهانه کردند تا از رفسنجانی حمایت کنند. باید بر این واقعیت تاکید کرد که منشأ فاشیسم کل جمهوری اسلامی است. فاشیسم جمهوری اسلامی و همه ارگانهای فاشیستی اش را باید با قیام مردم نابود کرد.

از زاویه مردم، مساله محوری جامعه، چه قبل از نمایش انتخابات و چه بعد از آن، سرنگونی جمهوری اسلامی بوده و هست. مساله ای که باید به دست خود مردم آزادیخواه متحقق شود.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست با برافراشتن پرچم سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی، قاطعانه در صف مقدم مبارزه مردم برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی و کل دستگاه سرکوب و

بیرون آمد! عقب نشینی ایدئولوژیک و فرهنگی رفسنجانی و کروی در جریان انتخابات به مراتب بیشتر از آنی بود که خاتمی طی دوره زمامداریش به آن تن داده بود. مردم آشکارا جلو رفتند و در موقعیت مساعدتری در برابر رژیم و جناحهای آن و رئیس جمهور جدید آن قرار گرفتند. اسلام غلیظ احمدی نژاد و همپالکهایش یک ارتجاع فشرده شده و در واقع یک سد دفاعی در برابر این پیشروی مردم است. هر دو گرایش در برابر پیشروی مردم آزادیخواه به موضع دفاعی نجات رژیمشان چسبیده اند. غلبه خط اسلام غلیظ بر خط تعدیل رژیم در این انتخابات، به معنی منزوی تر شدن و عریانتر قرار گرفتن ارتجاع اسلامی در برابر مردم است. نه خط غالب و نه خط مغلوب، راهی برای غلبه بر بحران همه جانبه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی رژیمشان ندارند. خارج شدن جامعه از بن بست و بحرانی که جمهوری اسلامی به آن تحمیل کرده، تنها با خلاص شدنش از شر این رژیم ممکن است. این رژیم سراپا ارتجاع با جامعه امروزی ناسازگار است و باید برود. جمهوری اسلامی اکنون در آخرین خاکریز دفاعی اش، بیش از همیشه منقور و رسوا و منزوی است و قادر به عقب راندن نیروی مردم و نسل جوان نیست. عروج احمدی نژاد پله آخر افول جمهوری اسلامی است.

در چنین موقعیتی و بر متن فقر و فلاکت وسیعی که حاکمیت اسلام بر اکثریت عظیم مردم، بر تولیدکنندگان ثروت جامعه و صاحبان اصلی جامعه تحمیل کرده، احمدی نژاد

ندارد. اگر فضای به شدت پلیسی و نظامی نبود، تمامی این مضحکه با موج اعتراض کوبنده مردم برچیده میشد. علیرغم فشارهای پلیسی و نظامی، مردم هر جا توانستند بساط این نمایش رژیم و کاندیداها را بهم زدند و یا با سوت و کور گذاشتن محلهای رای گیری نه بزرگی تحویل جمهوری اسلامی دادند. مردم اعلام کردند انتخابات بی انتخابات و انتخاب بعد از جمهوری اسلامی.

برای جناحهای جمهوری اسلامی هم مساله صرفا بر سر انتخاب رئیس جمهور نبود، بر سر نجات رژیم بود. این را واقعیت به روشنی نشان داد. در این انتخابات دو گرایش شریک در حاکمیت اسلامی به صف شدند و پروژه خود برای نجات رژیم را عرضه کردند. حاصل صفبندی باخت ایدئولوژیک رژیم زیر فشار امواج ضداسلامی و غیراسلامی جامعه و نسل جوان. و علاوه بر آن، باز شدن شکاف عمیق جدیدی در بالای رژیم بود. جمهوری اسلامی از این کشمکش ناتوانتر، چندشقه تر، متزلزل تر و منزوی تر

با عروج احمدی نژاد بعنوان رئیس جمهور رژیم اسلامی، هم صفبندی درون رژیم و هم موقعیت جمهوری اسلامی در برابر مردم، دستخوش تحولات مهمی شده است. در این صفبندی، احمدی نژاد نماینده اسلام غلیظ خمینی و طرفدار سفت و سخت اقتصاد دولتی و انقباض سیاسی و فرهنگی، بر رقیبش رفسنجانی که مدافع اقتصاد بازار، تن دادن به عقب نشینی ایدئولوژیک و فرهنگی و رقیق کردن اسلامیت رژیم است غلبه کرد. اما درحالیکه رفسنجانی و جناحهای طرفدارش در عزای شکست تلخشان نشستند، جناح غالب از ترس مردم جرات جشن گرفتن ندارد. خامنه ای رسماً شادی خیابانی بسیجیان طرفدار احمدی نژاد را ممنوع کرده است! واقعیت اینست که برد یک جناح رژیم بر جناح دیگر آن، باخت هر دو جناح به مردم بود! در این ماجرا کلیت جمهوری اسلامی به مردم باخت. این را همگان می دانند. ما و مردم آزادیخواه اعلام کردیم که در جمهوری اسلامی انتخابات معنی

دوم خرداد در فاز ارباب!

علی راستین ص ۲

آخرین سنگر دفاعی رژیم!

جمال کمانگر ص ۳

احمدی نژاد و پایان بساط

لفت و لیس اسلامی! فواد عبداللهی ص ۴

منشور سرنگونی جمهوری اسلامی ایران!

بیانیه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست ص ۴



زنده باد آزادی! زنده باد برابری!

علی راستین

با پیروزی احمدی نژاد در به اصطلاح انتخاباتی که جمهوری اسلامی برگزار کرده است حاکمیت اسلامی یکدست شد. آخرین سنگر جبهه دوم خرداد هم توسط "مسلمین راستین" آنهم از نوع احمدی نژادی اش فتح شد. البته کل جبهه ناسیونال اسلامی از احزاب "قانونی" چون حزب مشارکت و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی تا احزاب "تیمه قانونی" چون نهضت آزادی به انضمام احزاب "اپوزوسیونش" چون حزب توده جانانه تلاش نمودند که جلوی این پروسه را بگیرند و تلاش کردند تا کاندید مورد نظر خود را به قدرت برسانند. که باید به اینها تسلیت گفت که نه تنها نتوانستند بلکه چهره ماندگار خود را بار دیگر به مردم نشان دادند که تا آخرین لحظه و آخرین قطره خون وفادار به ولایت و نظام مقدس جمهوری اسلامی مانده اند و "شناسنامه بدست" در صف اول خدمت به جمهوری اسلامی چه جانفشانی ها که نمی کنند!

اما واکنش این جماعت پس از نوش جان کردن آخرین اردنگی از جناح "آقا" دیدنی است! بیچاره ها آنقدر مفتضح اند که چشم در چشم مردم نگاه می کنند و ارباب می کنند. بر سر مردم عربده می کشند. خبر از بروز "فاشیسم" در ایران را می دهند. در قاموس فکری دوم خردادی های معیوب الفکر ظاهرا در این بیست و چند سال چیزی غیر از فاشیسم در ایران حاکم بوده است. می گویند آخرین "جوبیار آزادی" دارد از بین می رود. طوق معمول لشکر همیشه آماده به خدمت "هنرمند-اندیشمند!" هایشان را پشت سر دارند و در این سیرک دیدنی این لشکر به رهبری دولت آبادی ها اندر فواید هاشمی رفسنجانی سخنرانی می کنند. ناگهان یک شبه جنایتکاری مثل رفسنجانی نماد رهایی از فاشیسم و بروز آزادی می شود. رفسنجانی ای که مسئول مستقیم کشتار و اعدام بسیاری از شریف ترین آزادی خواهان این مملکت در زمان انقلاب و در طول جنگ بوده است. کسی که خودی هایشان نامش را عالیجناب سرخپوش گذاشته اند و طرح و برنامه قتل های زنجیره ای را به او نسبت می دهند او را مانند رقیبش یک آدمکش می دانند! حتی خود ملی اسلامی هایی که امروز اینچنین عاشق رفسنجانی شده اند یادشان رفته است که در جریان انتخابات مجلس ششم در مورد رفسنجانی چه می گفتند! اما هر چه باشد عالم سیاست است. در عالم حقیر این آقایان، "منفعت" ارزش بیشتری از "حقیقت" دارد. جا زدن یک جانی بین المللی

دوم خرداد در فاز ارباب!

نژاد و حتی چه در زمان "دموکرات ترینشان" مردم همواره قربانی اسلام و قوانینش بوده اند. در دوره "دموکراتی" چون خاتمی، کارگران خاتون آباد که هیچ چیز جز حقوقشان نمی خواستند به جای حقوق، به گلوله بسته شدند. باید به اینها گفت که شما همه با هم هستید. به قول رهبران دو بال هستید که حیات یکی بدون دیگری ممکن نیست. اما روزی که عمرتان به سر آمد، مردم همه شما را جارو خواهند کرد. حتی شما روشنفکران عزیز "میهن" را! ما این روزها را فراموش نخواهیم کرد.

پیروزی احمدی نژاد می رود که در روند آتی مبارزات، مردم را بیش از پیش رو در روی جمهوری اسلامی قرار دهد. احمدی نژاد گرچه خانه اش در نارمک است و ماشینش قراضه است و بقول خودشان "علی وار" زندگی می کند. اما این ژست ها درد مردم را دوا نمی کند. فقر کمر مردم را شکسته است. بیکاری، اعتیاد، فحشا و تضاد طبقاتی بیداد می کند. اینها مشکلاتی هستند که جمهوری اسلامی ماهیتا قادر به حل آنها نیست. روی کار آمدن هر بخشی از جمهوری اسلامی منجر به تغییر در وضعیت اقتصادی مردم نخواهد شد. مردم اگر می خواهند خلاص شوند، باید به اتکای نیروی خود این جمهوری اسلامی را سرتگون کنند. آن سرتگونی ای که ما حکمتیست ها منشورش را داده ایم. باید حول منشور سرتگونی متحد شد و یکبار برای همیشه مردم را از این وضعیت خلاص کرد.

دست هم گذاشتن دختر و پسر در این مملکت را بگیرد. وجود چنین آزادی هایی در این چند سال اخیر نه از صدقه سر شما و نه از صدقه سر خاتمی بود. بلکه نتیجه تحمیل و مبارزه ما مردم آزادیخواه بود. ما این مسائل را به جمهوری اسلامی "تحمیل" کرده ایم و رژیم که از تشنج و شلوغی خوشش نمی آید مجبور شده است که "ببیدرد!" وجود چنین آزادی های حداقلی نتیجه فشار مردم و تمکین رژیم بوده از سر آزادیخواهی شما! "دوستان" دوم خردادی نگران از بین رفتن آزادی های سیاسی مردم نیستند. بلکه نگران خودشانند. اما باید بهشان گفت نگران نباشید. باید به محمود دولت آبادی گفت که: نگران نباش! اگر صد نفر فاشیست تر از احمدی نژاد هم بیاید شما می توانی "کلیدر" ات را تجدید چاپ کنی. کسی به سویسید کاغذ شما کار ندارد! به دار و دسته کانون نویسندگان از جمله منوچهر آتشی هم همین را باید گفت. باید به اینها گفت: شما هم می توانی احساسات پای منقلت را که اسم شعر رویش گذاشته ای را در بیاوری! شما دردتان درد مردم نیست. آزادی تان آزادی مردم نیست. نگران حقوق حقیر خودتان هستید. نگران آن هستید که آن چهارصد هزار تومن حقوق هنرمندان از وزارت ارشاداتان کم شود. وگرنه چه در زمان احمدی



مرک بر جمهوری اسلام! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!



جمال کامانگر

مضحکه انتخاباتی رژیم به پایان رسید. محمود احمدی نژاد از صندوق معرکه گیری رژیم بیرون آمد. و برای رژیم ظاهرا این یک موفقیت بود که توانست این بار هم

در میان مخالفت گسترده و کم نظیر مردم در داخل و خارج کشور جان سالم بدر ببرد.

انتخاب احمدی نژاد و کنار رفتن رفسنجانی جمهوری اسلامی را بدون هیچ ضربه گیری در مقابل مردم معترض قرار داده است. اعتراضات فریبانه احمدی نژاد کسانی را مردم جنبش سرنگونی طلبانه را در مقابل آخرین سنگر دفاعی اسلام سیاسی در ایران قرار داده است. زمزمه احیای فضای بسته فرهنگی و

حزب الله چرخانی در همان دوران تبلیغات خود رژیم جواب رد گرفت و خود احمدی نژاد و شرکایش اعلام کردند که اینها تبلیغات رقیبش رفسنجانی است. خامنه ای دستور داد که بسیجیان و حلقه بگوشان رژیم جشن خیابانی نگیرند. چون میدانستند در صورت برگزاری هر نوع مراسمی با تعرض مردم و گوش مالی دادن عوامل رژیم مواجه میشدند.

سطح توقع اگر بالا رفت مشکل است بتوان آن را پائین آورد. عکس این ممکن است. مردم ایران و به ویژه جوانان دست آوردهای تاکوونی خود را در نتیجه مبارزه روزانه و تعرض به پایه های ایدولوژیک اسلام بدست آورده اند. و به قول کورش مدرسی این انتخابات "شکست ایدولوژیک اسلام سیاسی در ایران بود" جنبش سرنگونی گامی دیگر در جهت واژگون کردن رژیم برداشت.

اما این نکته نباید نادیده گرفته شود و آن سیاست "مستضعف پناهی" احمدی نژاد است. نباید توده وسیع مردم محروم فریب آن را بخورند. مشکل اقتصادی جمهوری اسلامی با

آخرین سنگر دفاعی رژیم!

حزب را برای در هم شکستن هرگونه مامشات با رژیم را نشان داد. انتخابات رژیم مرود است. انتخابات بعد از قیام و بعد از جمهوری اسلامی. و اعلام منشور سرنگونی رژیم و تلاش برای دادن پرچم چپ و رادیکال به جنبش سرنگونی طلبانه مردم، سیاسی بود که حکمتیستها در رأس آن قرار داشتند.

یه آخرین خاکریز رژیم رسیده ایم. باید متحدرت آخرین سنگر دفاعی رژیم را فتح کنیم.

کند اول باید این منبع پرورش فاشیسم اسلامی را از بین ببرد. پشت رفسنجانی قائم شدن خدمت به فاشیسم است. اما در میان گروههای حزب حکمتیست توانست با سیاسی میلیتانت و در عین حال روشن پرچمدار مبارزه فعال علیه رژیم باشد. نمونه اعتراضات حکمتیستها در سوئد که منجر به دستگیری ۷۰ نفر از فعالین این حزب و در لندن و سایر کشورها عزم این

آتش بیار خودفریبی و بی لیاقتی در سطح تحلیل عینی از اوضاع بحرانی جامعه شدند. مردم را از خطر فاشیسم میترسانند و خجولانه برای دفاع از رفسنجانی سر و دست میشکستند که تکند "آقا" دوباره به مقام و منصبی برسد. و سر اینها بی کلاه بماند. این در حالی است که منشاء فاشیسم خود جمهوری اسلامی است. و ما بارها اعلام کردیم اگر کسی بخواهد با فاشیسم مبارزه

با توجه به نیروی کار ارزان و "کارگر خاموش" اما سرمایه امنیت ندارد. هیچ سرمایه کلانی حاضر به سرمایه گذاری در چنین آشفته بازاری نیست. شاید در کوتاه مدت سیاست "مستضعف پناهی" و عوام فریبانه احمدی نژاد کسانی را متوهم کند اما در میان مدت با شکست رو به رو میشود. تناقضات درونی رژیم اسلامی فراتر از این

است. وقایع و رنگ عوض کردن جریانات اپوزیسیون رژیم در این مضحکه دیدنی بود. کم نبودند کسانی که ظرف ۲۴ ساعت چند بار رنگ عوض کردند. و در میان مشتگی کاندید جنایتکار که از صافی شورای نگهبان عبور کرده بودند. دست به دست میشدند. موضع جمهوریخواهان توده ای- اکثریتی ها و باقی مانده شکست خوردگان دوم خردادی نمونه هایی از این تشنت افکار و آرا

احمدی نژاد نماینده اسلام غلیظ، به پست ریاست جمهوری حکومت اسلامی گمارده شد. اما این نقطه آغازی بر یک سلسله درگیری های اجتناب ناپذیر و به مراتب خرد کننده تر و حادثی در جامعه ایران است. اشتباه نکنید! مینا و محتوای کشمکش داخلی احمدی نژاد با هاشمی یا هر جانور و جناح دیگری در حکومت ارتجاع اسلامی، اختلافات نگرشی، بر سر اقتصاد دولتی یا بازار، برقراری یا عدم برقراری مناسبات با غرب و حل "پروژه اتمی" و یا حتی اختلافات عقیدتی بر سر اسلام و اسلامیت نیست. و باز هم اشتباه نکنید که



فواد عبدالهی

با انتخاب احمدی نژاد به پست ریاست جمهوری توسما رژیم، جامعه وارد قهقرا عظیمی شده است که هیچکس جلودار آن نیست. شرما لازم برای اجتناب از این قهقرا، برچیده شدن دست مذهب و ارگانهای سرکوبگر آن از حکومت، توسما قیام مردم و قرار گرفتن اختیار قدرت سیاسی به دست نهادهای برگزیده خود مردم است.

احمدی نژاد نماینده اسلام غلیظ، به پست ریاست جمهوری حکومت اسلامی گمارده شد. اما این نقطه آغازی بر یک سلسله درگیری های اجتناب ناپذیر و به مراتب خرد کننده تر و حادثی در جامعه ایران است. اشتباه نکنید! مینا و محتوای کشمکش داخلی احمدی نژاد با هاشمی یا هر جانور و جناح دیگری در حکومت ارتجاع اسلامی، اختلافات نگرشی، بر سر اقتصاد دولتی یا بازار، برقراری یا عدم برقراری مناسبات با غرب و حل "پروژه اتمی" و یا حتی اختلافات عقیدتی بر سر اسلام و اسلامیت نیست. و باز هم اشتباه نکنید که

احمدی نژاد و پایان بساط لفت و لیس اسلامی!

مردم ایران است. وقتی تاریخ جامعه از این دوران گذر کند، که نزدیک است، این شیفتگان بیمایه "وطنی" هم به فراموشی سپرده خواهند شد.

اما جدال امروز، نتیجه تلاش مذبحخانه اوباشان و جلدانی است که برای حفظ نظام منحوس اسلامی در برابر حکم تاریخی مردم ایستاده اند. جدالی بر سر یافتن آن سیاست و چهارچوبی که می تواند بساط لفت و لیششان را در این دوره محفوظ بدارد.

مردم از محدوده قاعده ها و نرمهایی که هر دفعه جلو رویشان می گذارند و فرجه ای که به آنها میدهند، فراتر می روند و آن را می شکنند. تا دیروز اگر مردم از سپر و کلاه خود دوم خرداد برای ابراز اعتراضاتشان استفاده می کردند اما امروز این جنبش لخت و عور رودر روی کلیت ماشین دولتی اسلامی و حافظین ارتجاع قرار گرفته است. رژیمی که مردم از آن بیزارند، رژیمی که آلتزناتیو اقتصادی ندارد و با توجه به بحران جدید اقتصادی اش بشدت در منگنه قرار گرفته است کافی است تا نسخه ای ←

اگر "ادبا و اندیشمندان" دو خردادی دیروز و برادران ناخلف اسلامی و رانده شده به دیار "غربت" همچون توده ای و اکثریتی، از سر منفعت طبقاتی و همزیستی متقابلشان با یک سری از گاوهای حکومتی امروز در ترساندن جامعه بی سوی فاشیسم به شرط رای ندادن به رفسنجانی، مردم را تحریک می کنند. غافل از اینکه رفسنجانی در افکار و روان انسانهای زنده آن جامعه از نمایندگان ایدئولوگ اسلامی و کشتار سیستماتیک انسان بوده است اما اینها همیشه یک روش خجولانه و نیمی مجاز انتقاد از رژیم را فرهنگ خود کرده اند. اینها مترسک های رنگ زدن به فلسفه و تاریخ و بیوگرافی جلدان دیروز و "دموکرات" های امروزاند. خطر فاشیسم اگر واقعیت دارد راه چاره آن در به زیر کشیدن حکومتی است که منشا فاشیسم است. فراخوان و فغان اینها در حمایت از هاشمی از ترس فاشیسم یک ریاکاری محض است. جواب فاشیسم را در دفاع از یک فاشیست نمی توان داد. این تنها یک اسم رمز برای تعدیل خواسته های امروز

دست مذهب از زندگی مردم کوتاه!

بیانیه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

مشور سرنگونی جمهوری اسلامی ایران

سرنگونی بی قید و شرط و کامل جمهوری اسلامی، باز داشتن عوامل آن از امکان مقاومت در مقابل مردم و پاشاندن بنیادهای زندگی مدنی و همچنین تضمین حق مردم در انتخاب آزاد و آگاه نظام حکومتی آینده کشور، اساس منشور سرنگونی جمهوری اسلامی است. سرنگونی جمهوری اسلامی پیش شرط تضمین حق مردم در تعیین نظام آتی ایران است.

معنی پیروزی جنبش سرنگونی، جایگزین شدن جمهوری اسلامی با یک دولت موقت با وظیفه اعلام فوری مطالبات انقلابی زیر به عنوان قانون و اجرای بی قید و شرط آنها است.

۱- اعلام سرنگونی و انحلال جمهوری اسلامی

۲- انحلال و خلع سلاح سپاه پاسداران، ارتش و کلیه دارودسته های نظامی و شبه نظامی وابسته به جمهوری اسلامی، تحت کنترل گرفتن کامل کلیه امکانات تسلیحاتی، تدارکاتی و اموال و دارائی های این ارگانها و نهادها.

۳- انحلال کامل وزارت اطلاعات.

۴- قابل دسترس کردن کلیه آرشیوها، بایگانی ها و پرونده های دولت از جمله سپاه پاسداران و وزارت اطلاعات برای مردم.

۵- مصادره کلیه موقوفات و اموال و دارائی های نهادهای سیاسی، اقتصادی و ایدئولوژیک اسلامی، اموال سران جمهوری اسلامی، "حوزه های علمیه" و نهادها و مدارس اسلامی و استفاده از آنها برای رفع نیازهای مادی، معنوی، تفریحی، سیاسی و اجتماعی مردم.

۶- انحلال کلیه "حوزه های علمیه"
۷- دستگیری سران جمهوری اسلامی

۸- مسلح کردن مردم در میلیس های توده ای برای دفاع از آزادی، برای سرکوب مقاومت بازماندگان جمهوری اسلامی و تعرض هر نیروئی به آزادی ها و حقوق مردم.

۹- اعلام جدائی کامل مذهب از دولت و آموزش و پرورش.

۱۰- لغو کلیه قوانین و مقرراتی که منشاء مذهبی دارند. اعلام آزادی مذهب و بی مذهبی.

۱۱- اعلام آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، مطبوعات، اجتماعات، تشکل، حزب و اعتصاب.

۱۲- اعلام برابری کامل و بی قید و شرط زن و مرد در حقوق مدنی و فردی. لغو کلیه قوانین و مقرراتی که ناقض این اصل است.

۱۳- اعلام برابری کامل حقوق همه شهروندان، صرفنظر از جنسیت، مذهب،

ملیت، نژاد و تابعیت.
۱۴- آزادی کلیه زندانیان سیاسی.
۱۵- لغو مجازات اعدام.
۱۶- دسترسی همگانی بویژه تشکلهای توده ای مردم و احزاب سیاسی به رسانه های جمعی دولتی.
۱۷- تضمین بیمه بیکاری مکفی برای همه افراد آماده بکار بالای ۱۶ سال. پرداخت بیمه بیکاری مکفی و سایر هزینه های ضروری به کلیه کسانی که به علل جسمی یا روانی توان اشتغال به کار ندارند.
۱۸- ارجاع مساله تعیین نظام حکومتی آینده ایران و تهیه قانون اساسی به مجمع نمایندگان مستقیم مردم حداکثر ظرف ۶ ماه.

۱۹- برگزاری رفراندوم در مناطق کرد نشین غرب ایران، زیر نظارت مراجع رسمی بین المللی، برای دادن حق انتخاب آزاد و آگاه به مردم این مناطق برای ماندن در ایران بعنوان اتباع متساوی الحقوق با دیگران و یا جدائی از ایران و تشکیل دولت مستقل. این رفراندوم باید با خروج نیروهای نظامی دولت مرکزی و تضمین یک دوره فعالیت آزادانه کلیه احزاب سیاسی در کردستان، به منظور آشنا کردن توده مردم با برنامه و سیاست و نظرشان در این همه پرسى، انجام شود.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست همه مردم آزادیخواه، احزاب سیاسی، تشکل های توده ای و فعالین سیاسی را فرا میخواند که برای دفاع از جامعه ایران در مقابل هر نوع سازش با جمهوری اسلامی و برای حفاظت از جامعه در مقابل استیلاى دارودسته های ارتجاعی و باند سیاهی اسلامی، قومی و عشیره ای و کانگسترهای سیاسی این منشور را مورد حمایت قرار دهند.

فوریه ۲۰۰۵

بهمن ۱۳۸۳



→
برای برخاستن مردم و سرنگونی یا تعویض رژیم بدست دهد. این خود مستلزم یک سازماندهی و رهبری وسیع اجتماعی در راستای مطالبات رادیکال و برجسته مردم ایران است. منشور سرنگونی جمهوری اسلامی ایران که از جانب حکمتیستها اعلام گشته است انعکاس واقعیتی است که امروز پیشاروی توده وسیع مردم به جان آمده از دست حکومت اسلامی قرار گرفته است.

برنامه های روزانه پرتو

برنامه های پرتو هر روز از ساعت ۸ تا ۹ شب به وقت تهران (۱۱:۳۰ تا ۱۲:۳۰ بعدازظهر به وقت اروپا)
مرکزی و ۱۱:۳۰ تا ۹:۳۰ صبح به وقت امریکای غربی از شبکه کانال یک پخش میشود

ایران و اروپا:

Telstar 12
Freq: 11494.5 MHz
Polarity: Vertical
Sym Rate: 17,4687ms
FEC: 3/4

امریکای شمالی:

Telstar 5
Freq: 12,090 MHz
Polarity: Horizontal
Sym Rate: 20000 ms
FEC: 3/4

برنامه پرتو روی سایت آن نیز قابل مشاهده است:

www.hekmatist.com/parto

گروپ جوآنان حکمتیست در یاهو!

<http://groups.yahoo.com/javananekomonist>

تماس با سازمان جوآنان کمونیست - حکمتیست

دبیر سازمان: بهرام مدرسی
bahramsjk@yahoo.com
تلفن: ۰۰۴۹۱۷۴۹۴۰۲۰۱
فاکس: ۰۱۲۱۲۱۰۳۲۳۶۱۳

سر دبیر: فواد عبداللهی
foadsjk@gmail.com
تلفن: ۰۰۴۴۷۸۹۰۸۰۹۱۴۲

معاون دبیر: نسیم رهنا
nasimrahnamadk@yahoo.com
تلفن: ۰۰۴۵۲۲۸۲۴۵۴۲

معاون دبیر: جمال کمانگر
jkamangar@yahoo.com
تلفن: ۰۰۴۴۷۸۱۴۷۶۵۶۶۱۹

به سازمان جوآنان حکمتیست پیوندید!